شماره 17

31اکتبر 2018

نشریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

«پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران»

زبان مادری مهم و حیاتی است!

(بخش دوم)

بهرام رحمانی

در تاریخ آموزش به‌زبان مادری از سوی برخی از اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته است. «یوهان آموس کومنیوس» که به‌عنوان پدر آموزش و پرورش نوین در دنیا شناخته شده است، در نیمه دوم قرن 17 اصولی را برای آموزش و پرورش و یادگیری عنوان کرد که آموزش و پرورش امروزی در دنیا از آن تبعیت می‌کند. وی اعتقاد داشت که کودکان را بایستی با شناخت و بینش اجسام آشنا کرد. یعنی معانی مستقیم اشیا و اجسام را به‌کودکان آموخت و در این مسیر، همواره بر ضرورت استفاده از زبان مادری تاکید می‌کرد. وی بر این عقیده بود که آموزش تا سن 12 سالگی بایستی فقط و فقط به زبان مادری باشد و از این سن به بعد است که آموزش به زبان‌های دیگر می‌تواند در برنامه آموزشی فراگیران قرار گیرد و آموزش زبان‌های دیگر نه از روی دستور زبان، بلکه از طریق خواندن متون انجام گیرد. کومنیوس بر استفاده از عکس و تصویر در آموزش زبان تاکید می‌کرد. بدین ترتیب، ابتدا کودک با مفهومی که با آن آشنا است ارتباط برقرار می‌کند و سپس طریقه نوشتاری آن مفهوم را به آن پیوند می‌دهد و آن مطلب را درک می‌کند.

اما در مورد کودکان دو زبانه در جامعه ما که بیش از 53 درصد کودکان کشور را تشکیل می‌دهند، بسیاری از این اصول آموزشی که در کل دنیا کاملا بدیهی به‌نظر می‌رسند مورد توجه قرار نمی‌گیرند. متاسفانه به‌طور کلی آموزش و پرورش ایران و حتی دانشگاه‌ها ایران، از ارزش‌ها و معیارهای جهان‌شمول آموزشی جهان، بسیار عقب مانده است.

یک کودک شش و هفت ساله غیرفارس از همان اولین روز تحصیل بایستی با زبانی غیر از زبان مادری خود تحت تعلیم قرار بگیرد که کوچک‌ترین آشنایی با زبان فارسی ندارد و تنها به زبان مادری خود با طبیعت و اطرافیان ارتباط برقرار می‌کند. این سیستم غیرانسانی و نادرست آموزشی، باعث دلسردی دانش‌آموزان مناطق دو زبانه از تحصیل و درس و مشق و مدرسه می‌شود.

البته تعریف زبان به‌نحوی که مورد قبول همه زبان‌شناسان و دیگر دانشمندانی باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی می‌شود. زبان پدیده بسیار پیچیده‌ای است که مطالعه آن را نمی‌توان به یک قلمرو علمی خاص محدود کرد و دارای جنبه‌های فراوانی است. پروفسور داگلاس براون (H. Douglas Brown-1941) تعریف زیر را برای زبان بر می‌گزیند:

«زبان نظامی است متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی عمدتا آوایی، و بعضا هم تصویری، که حامل معنی و خاص انسان بوده، در جوامع زبانی یا فرهنگ‌های مختلف برای ایجاد ارتباط میان انسان‌ها به کار می‌رود و اکتساب آن در همه انسان‌ها به صورتی نسبتا یکسان صورت می‌گیرد. هم زبان و هم فرآیند یادگیری آن دارای ویژگی جهانی بودن هستند.»

پیدایش زبان نوشتاری و به تبع آن انتقال اندیشه از راه کلمات موجبات جهشی عظیم و رو به رشدی در زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی-اقتصادی داشته است، همچنین زبان به‌عنوان یک

ادامه در ص 5

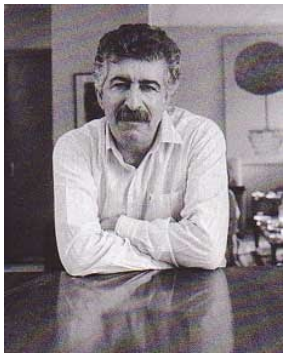

منوچهر آتشی

در این باغ کوچک چرا

چرا صدای تبر قطع نمی‌شود چرا صدای افتادن؟

تا کی به سوگ سروها بنشینیم تا کی به سوگ صنوبرها

در این باغ کوچک مگر چند

سرو صنوبر هست

که دندان برنده تبر از شکستن‌شان سیر نمی‌شود؟

دیری نیست همین جا

سه سرو فروغلتیده داشتیم

غزاله، مختاری، پوینده

چرا دوباره صدای تیر، پس چرا؟

پریروز گلشیری

دیروز رحمانی

امروز احمد شاملو یعنی هفتاد سال شعر مجسم

تا کی، پس تا کی

این سروهای زنده این بانوان فرخنده مریم، سیما، فرزانه، آیدا

در سوگ سروهای خفته سیاه بپوشند

و دل های صنوبریشان را

در اشک داغ به گرسنه ابدی، خاک بچشانند

بس نیست، نیست دیگر مگر چند سرو صنوبر؟

دندانت بشکند تبر

احشایت بپوسد خاک! خاک خاک بر سر

اما صدای تبر قطع نمی‌شود

در خواب و بیداری صدای تبر قطع نمی‌شود

و باغ کوچک ما می‌لرزد در خویش و می‌گرید در خویش

بر قرار باد خودمدیریتی دمکراتیک و شورایی در ایران!

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

***

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

*بهرام رحمانی
امیل آدرس:
bahram.rehmani@gmail.com
شماره تلفن: 0046-707474336

*اهون چیاکو
امیل آدرس:
ehwen.chiyako@gmail.com
شماره تلفن: 0046-737245857

آمیل آدرس پلاتفرم:
pdjkh.i@gmail.com

***

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشیست، آزادی‌خواه و عدالتجو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دمکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

پیام پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران به‌شب همبستگی با اعتصاب کارگران، مبارزات خلق‌ها و مردم تحت ستم و آزادی‌خواه و برابری‌طلب ایران!

رفقا گرامی به همه‌تان خوش‌آمد می‌گوییم که امشب در این‌جا جمع شده‌ایم تا همبستگی و حمایت خود را با اعتصاب کارگران، مبارزات خلق‌ها و مردم تحت ستم و آزادی‌خواه و برابری‌طلب ایران اعلام کنیم!

امیدواریم این همکاری ما با رفقای سوئدی، ترکیه‌ای، روژآوایی، آمریکای لاتینی، ایرانی و غیره که در سوئد فعالیت‌های متشکل دارند، گسترش پیدا کند و به‌یک تشکل انترناسیونالیست قوی و موثر تبدیل گردد تا الگویی به‌وجود آوریم که در کشورهای دیگر نیز به‌کار بسته شوند.

شما که در این‌جا حضور دارید معضلات و مشکلات جامعه ایران را می‌شناسید بنابراین در این فرصت کم ما آگاهانه به این دردها و مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای نمی‌پردازیم. اما کوتاه و فشرده بگوییم که به‌طور کلی اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی ایران به‌وضعیت بسیار حساس و خطیری رسیده است.

برای مثال، شاید تنها کشوری به‌غیر از ایران را نمی‌شناسید که دستمزد ناچیز کارگران را با ماه‌ها تاخیر پرداخت می‌کند و معترضین را سرکوب و فعالین آن‌ها را به‌دادگاه و زندان می‌کشاند و شلاق می‌زند. شاید حکومت اسلامی ایران، تنها حکومت جهان است که کودکان را نیز اعدام می‌کند و به‌نسبت جمعیت در عرصه اعدام برای رتبه کسب اولی و دومی مسابقه می‌دهد. حکومت اسلامی ایران، یک حکومت آپارتاید جنسی و زن‌ستیز است. در ایران زبان‌های مادری غیر از زبان فارسی ممنوع است.

هم‌اکنون زندان‌های حکومت اسلامی ایران، مملو از فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش مبارزه با ستم ملی، فعالین محیط زیست، حقوق بشر، وکلا، پزشکان و همچنین اقلیت‌های مذهبی مانند دارویش، بهائیان و اهل حق است. یا زنان و مردان فقیری که از سر ناچاری دست به‌بزهکاری زده و یا معتاد هستند در زندان‌های حکومت اسلامی در زیر شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی قرار دارند. در زندان‌های حکومت اسلامی، عموما زندانیان سیاسی و اجتماعی شکنجه می‌شوند و گاهی نیز زیر شکنجه و حتی بر اثر تجاوز جنسی، جان خود را از دست می‌دهند.

سپاه پاسداران و سایر عوامل حکومت اسلامی ایران در عرصه قاچاق و مواد مخدر هم فعال هستند. این نیرو در تعقیب و ترور فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی نیز سابقه چهل ساله، یعنی به‌اندازه عمر حکومت اسلامی دارد. نیروی برون مرزی سپاه پاسیداران حکومت اسلامی به‌نام «سپاه قدس»، در جنگ‌های موسوم به «جنگ‌های نیابتی» در سوریه، لبنان، یمن، عراق، افغانستان و... حضور فعالی دارند. این نیرو گروه‌های مذهبی و عمدتا شیعه‌مذهب را آموزش و مسلح می‌کند تا در کشورهایشان به‌نفع حکومت اسلامی ایران، دست به ترور و وحشت بزنند. حکومت اسلامی ایران، هر ساله میلیاردها دلار به این جنگ‌ها اختصاص می‌دهد و هفت سال است در جنگ داخلی سوریه از حکومت آدمکش سوریه دفاع می‌کند. بنابراین حکومت اسلامی ایران، هم با اکثریت مردم ایران و هم منطقه سر جنگ و دشمنی دارد.

یکی از این خطراتی که به‌تازگی علیه شهروندان ایران آغاز شده است تحریم اقتصادی ایران توسط دولت آمریکا است. دولت ترامپ با خروج از «برجام» تحریم‌ها اقتصادی جدیدی را علیه ایران آغاز کرده است. بخش دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران، از چهارم ماه آینده(نوامبر) آغاز خواهد شد. فشار عظیم این تحریم‌ها هم در گذشته و هم‌اکنون بر دوش کارگران و محرومان جامعه ایران سنگینی می‌کند. در چند ماه گذشته، با سقوط مداوم ارزش ریال ایران در مقابل دلار، گرانی و تورم و بیکاری افزایش یافته و قدرت خرید مردم به‌شدت پایین آمده است. اکنون همه صنایع بزرگ و کوچک ایران با بحران روبه‌رو هستند. از جمله قیمت دارو و برخی کالاهای ضروری مردم، از هم‌اکنون چندین برابر گران‌تر شده و کمیاب شده‌اند.

در این میان سانسور و سرکوب و حتی اعدام‌های حکومت اسلامی نیز بیش‌تر شده است تا کسی جرات اعتراض نداشته باشد. اما با این وجود، روزی نیست که در ایران اعتراض و اعتصاب برگزار نشود. از اعتصاب سراسری کردستان، بازاریان، کارگران صنایع بزرگ و کوچک گرفته تا بازنشستگان؛ معلمان، رانندگان کامیون، زنان، دانشجویان، جوانان، فعالین محیط زیست، فعالین آزادی زبان‌های مادری و حتی اقلیت‌های مذهبی مانند دراویش و بهائیان و اهل حق و غیره دست به‌اعتراض نزنند.

مشکلات جامعه ایران، به این‌ها محدود نبوده و حتی گاهی خود را در آمار و اعداد و ارقام میزان بارش و خشک‌سالی، طلاق، اعتیاد، کودک آزاری، افزایش خشونت و غیره نشان می‌دهند.

روزی نیست که یک و یا چند مسول و مدیر حکومتی دست به دزدی و فساد نزند. اکنون فساد اداری و اقتصادی و اخلاقی تمام سران و مقامات و نهادهای حکومت اسلامی را فرا گرفته است.

ادامه در ص 7

سازمان‌یابی مردم فراگیر ایران برای برپائی کنفدرالیسم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران

مراد عظیمی

قیام شکوهمند مردم ایران در بیش از 100 شهر در دی‌ماه 1396، با شعارهای هم آواز کلیت رژیم را نمی‌خواهیم، گواه گذار از توهمات چشم دوختن به‌امکان ایجاد اصلاحات در رژیم مردسالار ضد زن، دزد، غارتگر، سرکوبگر، رژیم اعدام، زندان و شکنجه، بانی فقر، بیکاری، دستمزدهای زیر خط فقر، ملاخور شدن دستمزدها، کودکان خیابانی، گورخوابان، رژیم ویرانگر محیط زیست، شیوع گسترده تن‌فروشی متداول و صیغه- تن‌فروشی نوع ایدئولوژی مذهب شیعه- حکومت اشاعه‌دهنده جهل و خرافات. برآمد سال 1388، به‌این دلیل شکست خورد که اصلاح‌طلبان بر موج خروشان جنبش سوار شدند و بر پشت بام‌ها شعار الله‌اکبر دادند- جنگ الله‌اکبر با الله‌اکبر؛ به‌حاکمیت ولایت فقیه ندا دادند نترسید ما با هم هستیم، دعوای ما خانوادگی است.

اما قیام دی‌ماه بازتابی از بحران ژرف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی رژیم بود. و شعارهای: سلطنت آخوندی واژگون واژگون، چپاول گرونی زمان سرنگونی، نقض امانت شده به‌ما خیانت شده، هم پول ما را بردند هم حق ما را خوردند، اصولگرا اصلاح‌طلب دیگر تمامه ماجرا و... ترجمان خواست دل و جان اکثریت غالب مردم ایران برای سرنگونی رژیم سرکوب و اختناق بود. در پیامد قیام پرصلابت دی‌ماه اعتراضات و اعتصابات مردم همچنان ادامه دارند. رژیم سرکوب و اختناق به‌سوی لبه پرتگاه سقوطش رانده می‌شود.

اما، دو سئوال پایه‌ای، سرنگونی رژیم اختناق و سرکوب با کدام تشکلات و برای چه هدفی.

شرکت‌کنندگان در قیام دی‌ماه 1396، نماد اکثریت غالب مردم ستمکش بودند و نه حضور اکثریت غالب مرد در قیام. انقلاب در معنای واقعی کنش اکثریت مردم ستمکش جامعه علیه حاکمیت اقلیت بس نازل را در بر می‌گیرد. بنابراین، باید اکثریت غالب مردم ایران از نظم مبشر رهائی‌شان از یوغ دیکتاتوری مذهب شیعه مدرنیته-سرمایه داری جمهوری اسلامی آگاهی شفاف داشته باشند، تا یک‌بار دیگر فداکاری، شجاعت و هزینه جانی، روانی و مالی‌شان ملعبه به‌قدرت رسیدن یک مشت چپاولگر جدید، و این‌بار فوکل کراواتی و ریش تراشیده، نگردد.

رسانه‌های مهندسی افکار خارج از کشور و به‌ویژه بی.بی.سی معلوم‌الحال امپریالیسم کهنه‌کار به‌کنار، علت این‌که خمینی و باندهایش توانستند براموج خروشان جنبش ضد دیکتاتوری شاه سوار شوند، این بود که مردم باور کردند اسلام آزادی می‌آورد. ولی، مردم نه از ماهیت ضدآزادی اسلام آگاهی داشتند و نه بینش و روایات غیرایدئولوژی مذهب‌شیعه از گوهر و محتوای آزادی. اگر آزادی سخن گفتن، نوشتن، آزادی اندیشه، اعتصاب کردن، لغو اعدام، آزادی تشکلات کارگری و اجتماعی گوناگون، آزادی انتقاد، آزادی از فقر و بیکاری، آزادی از ستم به زنان، آزادی از تحقیر و نابرابری تبارها، باورهای شخصی، آزادی زبان‌ها و فرهنگ‌ها نباشد، شعار آزادی فریبی بیش نیست. اگر مردم درک ژرفائی از معنای آزادی و دموکراسی نداشته باشند. برادران شیاد و فریبکار مدرنیته- سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در آپوزیسیون قادر خواهند شد آدرس تقلبی از آزادی و دمکراسی به مردم داده و بر مسند قدرت تکیه بزنند. یک‌بار دیگر مردم در چنبره ناامنی، فقر، بی‌حقوقی، اختناق و... دچار گردند.

در قیام دی‌ماه 1396، مردم شعار دادند اصولگرا اصلاح‌طلب دیگر تمومه ماجرا. باید هوشیار بود که معنای این شعار تنها به نفی دو گرایش درون جمهوری اسلامی محدود نشود، بلکه یقه اپوزیسیون مدرنیته - سرمایه‌داری رنگین کمان برون از رژیم دیکتاتوری را نیز بگیرند. عده‌ای ریاکار کارت حمایت آمریکا و... را در جیب دارند. اینان، از آمریکا می‌خواهند که برای رهائی از استبداد مذهب‌شیعه و استقرار دموکراسی به مردم ایران یاری کند. اینان دروغ می‌گویند، آمریکا حامی و پشتیبان استقرار دموکراسی در ایران نیست. برای ارزیابی از نیات دخالت آمریکا در سیاست کشورها، نیاز نیست به‌کارنامه سیاه آمریکا از بدو تاسیس‌اش رجوع نمود. آمریکا نه تنها مروج دموکراسی نیست، بلکه در عرصه جهانی از ارتجاعی‌ترین مذاهب ایدئولوژی اسلام چونان وهابی‌گری عربستان حمایت می‌کند. در آمریکا کلیسای انجیلی، Evangelical of America Church، فاشیست به‌همان درجه از وهابی‌گری و نسخه شیعه‌گری ایران طرفدار توحش و بربریت است، و آقای دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا طرفدارش. ترامپ مخالفتی با ایدئولوژی مذهب شیعه جمهوری اسلامی ندارد، بلکه هدفش اعاده نفوذ گذشته آمریکا در دوران دیکتاتوری شاه است. (شاید بسیاری از مردم ایران اطلاع نداشته باشند که همزمان با قدرت‌یابی گونه ایرانی داعش- جمهوری اسلامی با ایدئولوژی مذهب شیعه-، در آمریکا شارلاتان‌های کلیسای انجیلی از 200 ایستگاه تلویزیون خزعبلات ایدئولوژی مذهب مسیحیت را تحویل مردم می‌دادند. مردی به اصطلاح بیمار زمین‌گیر را رو صندلی چرخدار به‌صحنه سالن می‌آوردند و شیادی خطاب به بیمار با صدای آمرانه فریاد می‌زد به‌نام عیسی مسیح از تو می‌خواهم بلند شوی بلند شو... نمایش امامزاده‌های ایدئولوژی مذهب شیعه).

تجربه تلخ گذشته ایجاب می‌کند مردم ایران خود سرنوشت‌شان را تعیین کنند، نه به کسی یا حزبی در داخل ایران اقتدا و پیروی کنند و نه به هیچ‌قدرت خارجی دخیل به بندند.

اشکال سازمانیابی

1- گونه سازمان‌یابی حزبی سلسله مراتبی یا هرمی، هایراکی. سازمان‌یابی هرمی هدفش سامان دادن کارگران شاغل در موسسات تولیدی-خدماتی است.

2- سازمان‌یابی شورائی موازی یا افقی. برخلاف تشکل حزبی، همچون قطره‌ای از دریا، افرادی از جامعه را در کاسه حزبی می‌ریزد، تشکل خطی شورائی عطف توجهش به متشکل‌شدن تمام جمعیت ایران از سن نوجوان به بالاست. به‌سخن دیگر، هدف اش متشکل‌شدن شاغلین در موسسات تولیدی-خدماتی و مردم در محلات زندگی است.

سازمان‌یابی شورائی هم به‌لحاظ خصلت افقی و هم تلاش برای سازمان‌دادن کارگران شاغل در موسسات تولیدی-خدماتی و هم مردم محلات، یا به‌سخن دیگر تمام افراد نوجوان، افراد بالغ تا بازنشسته‌ها با تشکل هرمی تفاوت ماهوی دارد.

ماری بوکچین(1) گوهر سازمان‌یابی را چنین تعریف می‌کند: احزابی که در اشکال سازمان‌های مردمی اجین نشده باشند، در معنای کلاسیک سیاسی نیستند. در حقیقت، این‌ها هستی‌هائی بوروکراتیک و طرفدار ضد سیاست‌های مشارکتی و ضد شرکت شهروندان در سیاست هستند. در حقیقت واحد واقعی زندگی سیاسی اداره شهرداری‌هاست(کمون از من)، جائی که کوچک‌تراست همه جمعیت را شامل می‌شود و یا بنا به‌وسعت‌اش به‌مدیریت‌های فرعی به‌خصوص محلات تقسیم می‌شود.

برابر با تقسیمات جغرافیائی، مردم در محلات، در شماری از نواحی، شهرها و دهات در وسعت ارضی معینی به‌نام کشور ایران زندگی می‌کنند. خانواده سلول واحد جامعه مدرنیته- سرمایه‌داری است. اندام‌واره‌ها یا ارگانیسم‌های زنده همانند بدن انسان از سلول‌های واحد تشکیل شده‌اند. به‌همین سیاق می‌شود، کمون یا انجمن فراگیر محله را به‌مثابه واحد تشکلات شورائی مشاهده کرد. با رعایت واژه جا افتاده کمونیسم به‌مثابه آرمان گرایشات معینی از چپ‌ها به‌معنای طرفداران کمون، می‌توان شکل نهاد به‌هم آمدن مردم یک محله را کمون محله نامید. به‌هر رو، از نظر من نه نام تشکل محله، بلکه محتوای آن، یعنی شرکت تمام مردم محله از نوجوانان تا بزرگسالان مونث و مذکر، یا ماده و نر در تشکل واحد محله اساس است. باید این نکته را نیز تاکید کرد که در کنار تشکلات مستقیم کمونی و شورائی، تشکلات گوناگون دیگر برای پیش‌برد آگاهی اجتماعی نظیر انواع کانون‌ها، آکادمی‌های متنوع، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها را تشکیل داد. حداقل ظهور شورا به کمون پاریس برمی‌گردد. بنا به دریافت من، در حقیقت کمون پاریس، شورای شهر پاریس بود. به این دلیل که پاریس سال 1870 نه از یک کمون یا محله بلکه، از تعدادی از محلات تشکیل شده بود. مارکس در کتاب جنگ داخلی در فرانسه در تحلیل کمون پاریس چنین می‌نویسد: نمایندگان کمون از طرف شهرداری‌های پاریس انتخاب شدند و نماینده‌ها به شهرداری‌ها پاسخگو بودند. آنچه برای مارکس مهم نمود اقدامات کمون بود. ولی فراتر از این، اهمیت تحول شهرداری‌ها از نهادهای مدرنیته-سرمایه‌داری از بالا و فاقد قدرت باز خواست نماینده‌ها، به‌نهادهائی از پائین و استیضاح‌کننده نماینده‌ها توجه نشد. به‌سخن دیگر، در کمون پاریس شهرداری‌ها به‌مثابه هستی‌هائی از بالا و منفعل به‌نهادهای پویای جنبشی اداره مستقیم مردم و نفی وجود دولت متحول شدند.

ادامه در ص 5

آزادی بیان و محدودیت های آن

نیره انصاری

حقوق بشر، از جمله حقوقی است که هر کس از حیث انسان‌بودن، از آن برخوردار است. یکی از این حقوق غیرقابل سلب که در نظام بین‌المللی حقوق بشر بر آن تاکید شده، حق آزادي بیان است. این حق، فراگیرترین شکل آزادی است که به‌طور خاصی با تمام اشکال آزادی ارتباط می‌یابد.

آزادی بیان در طول تاریخ، از آرمان‌های بشری بوده و بشریت در راه تحقق این حق، هزینه‌های زیادی متحمل شده است. آزادی بیان با تمام ابزارهای ممکن مانند سینما، رادیو، تلویزیون، نشریات و مطبوعات و ... حق بشری بسیار مهم با ابعاد اساسی و مفهومی آمیخته با دموکراسی است. این حق، کلید حمایت از تمامی حقوق بشری و صیانت از کرامت انسانی و یک مفهوم بنیادین برای حفظ حقوق فردی است

حق آزادی بیان، همانند بسیاری از حق‌های بشری به‌جهت ارتباط با حقوق سایر افراد، دچار تحدید شده و گستره اعمال آن محدود می‌شود. اعمال نامحدود حق‌ها، اگرچه بنیادین، خود به نقض حق‌های بشری منتهی خواهد شد.

آزادی مطلق بیان نیز می‌تواند به‌حق سایر افراد جامعه بر حیثیت، آبرو، امنیت و منافع ملی جامعه آسیب وارد کند و آن را به‌خطر اندازد. دربرخی موارد، ممکن است جلوه‌های این آزادی احساسات و عواطف انسانی را نیز دچار آسیب سازد و چه بسا با برانگیختی آن‌ها زمینه نقض حق‌های بشری دیگری را فراهم آورد. بنابراین، حق بر آزادی بیان، بنا به‌جهات فوق، از گستره اطلاق بیرون آمده و سر در تقیید و تحدید فرود می‌آورد. به‌دیگر سخن، آزادی بیان، حقی است که در برخی موارد باید تحدید شود و از همین رو، بنا بر ملاحظات مختلف، ضروری است محدودیت‌هایی بر آن وارد شود.

محدودیت‌پذیری موجه این حق، آن را به‌حقی شکننده و لغزنده تبدیل می‌کند. قدرت‌ها با تمسک به‌همین موارد، امکان توجیه محدودیت را برای افکار عمومی دارند و می‌توانند با پوششی به‌ظاهر حق‌محورانه و به‌واقع اقدامات خلاف و ناقض حق، از عناوین یادشده استفاده سوء کرده و هرگونه صدای مخالفی را خاموش کنند. همین نوع بهره‌مندی نادرست نسبت به اقدام اکثریت، در تقابل اقلیت نیز محتمل است. به‌سخنی دیگر، قدرت یا اکثریت در جامعه می‌تواند با تمسک به توجیهات ظاهرا اقناع‌کننده، اقدامات خلاف بشری خود را در پشت نقاب تحدیدات ضروری و موجه پنهان کند.

همین امر، ضرورت تعیین ملاك و مبنا نسبت به هرگونه محدودیت را موجه و ضروری می‌کند. برخی اندیشمندان، افزون بر پذیرش تعیین حد و مرز حق‌های بشری و از جمله آزادی بیان، به‌منظور پیشگیری از تحدید ناموجه و استفاده سوء، برآن‌اند که این عرصه نیازمند تعیین ملاك و معیار برای محدودکردن است. آن‌ها اصل عقلانی و اخلاقی مضر را به‌عنوان سنجه‌ای شایسته به‌منظور ارزیابی تحدید موجه از ناموجه معرفی می‌کنند.

برای رهایی از آسیب‌های استناد به این اصل نیز باید ضرر به‌گونه‌ای محدود و حداقلی تفسیر شود، به‌نحوی‌که آزادی بیان، اصل، و محدودیت، کاملا استثنایی در نظر گرفته شود.

ماده 19 و29 اعلامیه جهانی حقوق بشر، به آزادی بیان بدون یادآورد هرگونه محدودیتی پرداخته است. اما این امر به‌معنای مطلق‌بودن این حق نیست زیرا که بند دوم ماده محدودیت‌هایی را برای حقوق و آزادی‌ها در نظر گرفته است. از همین رو آزادی بیان، مشمول حقوق و آزادی‌های دیگران، اخلاق، نظم عمومی و رفاه محدودیت‌های مقرر خواهد بود.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پس از آن که حق آزادی بیان را با تمام ابزارهای بیان به‌رسمیت می‌شناسد اما تنها محدودیت‌هایی که قانون برقرار کرده و لازم و ضروری است، آن‌هم تنها به‌منظور احترام به‌حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا اخلاق و بهداشت همگانی قابل اعمال است.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی، به‌صورت مفصل‌تری به آزادی بیان و محدودیت در بحث آزادی بیان پرداخته است. این کنوانسیون پس از تاکید بر حق آزادی بیان، احترام به‌حقوق یا حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا بهداشت یا اخلاق عمومی را به‌عنوان خطوط قرمز آزادی بیان برمی‌شمارد. و نیز مواد کنوانسیون نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که هر دولت عضو بتواند گروه‌ها و اشخاص را از تمتع یا اجرای حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده در این کنوانسیون محروم کند یا آن‌ها را بیش تر از حدود کنوانسیون آمریکایی حقوق پیش‌بینی‌شده در این کنوانسیون محدود کند.

محدودیت‌ها باید در چارچوب قانون و برای تامین مصالح عمومی اعمال شود. اگرچه در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، تمهیدات مناسبی برای پاسداری از آزادی بیان و کوچک کردن دامنه محدودیت‌های آزادی بیان در نظر گرفته شده است، اما نظریه‌ای که مصوبات قوه مجریه را نیز جزیی از قانون می‌داند، می‌تواند نگران‌کننده باشد. زیرا که حق اعمال محدودیت بر آزادی بیان را از صلاحیت خاص قانونگذار، خارج کرده و حق برقراری محدودیت را به قوه مجریه می‌دهد.

اخلاق

در میان تمامی محدودیت‌های آزادی بیان، اخلاق، تنها محدودیتی است که در تمامی اسناد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه جهان‌گستر حقوق بشر ذکر شده است.

کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حقوق بشر، اخلاق را به‌عنوان خط قرمزی برای آزادی بیان پذیرفته‌اند. در جمهوری اسلامی ایران نیز قانون، خطه شی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما، مکلف به‌رعایت مسایل اخلاقی است.

اخلاق، یکی از مهم‌ترین و پرمناقشه‌ترین مفاهیم در حوزه علوم انسانی است. مناسبات اخلاق و قانون، اخلاق و سیاست، اخلاق و حق، از جمله موضوعات بسیار مهمی است که اندیشمندان را به‌خود مشغول داشته است. قانون متکی به اخلاق، وجدان را قانع و التزام را تسهیل می‌کند. قانون و اخلاق، تاثیر غیرقابل‌انکاری بر سیاست و ساختارهای سیاسی دارد.

اخلاق، کرامت و حرمت انسان را وارد ساختار قدرت می‌کند تا جایی که می‌تواند مبنای این ساخت‌ها، مباحث بنیادینی را در خصوص حق‌های اخلاقی به‌میان می‌آورد.

امنیت ملی

امنیت ملی یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان است که در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده منشور آفریقایی حقوق بشر ذکر شده است و در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تنها اعلامیه جهان‌گستر حقوق بشر است که صراحتا نامی از امنیت ملی به‌عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی بیان به‌میان نیاورده است. امنیت، اصلی‌ترین وظیفه دولت است که به‌جهت دگرگونی‌های نظری و فرانظری و تحول در رویه دولت‌هاو نهادهای بین‌المللی مستمرا بازتعریف می‌شود.

امنیت، مفهومی پیچیده، متعارض و متکی بر تحولات نظری و نگرش‌هایی است که در حوزه مطالعات امنیتی ظهور یافته است. این مفهوم به لحاظ سطح به امنیت فردی، گروهی، ملی و بین‌المللی و در ابعاد سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و غیره، قابل‌تقسیم است. در تعریف ساده، امنیت ملی توانایی یک ملت برای حفاظت از ارزش‌های حیاتی داخلی در مقابل تهدیدات خارجی و اینکه کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم را برای حمایت از ارزش‌های داخلی اتخاذ می‌کنند، تبیین می‌کند. امنیت ملی، مفهومی آمریکایی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد.

نکته قابل‌توجه دیگر در این خصوص، این است که درمورد محدودیت‌های آزادی بیان، همان گونه که دیوان اروپایی حقوق بشر تاکید می‌کند، اصل بر تفسیر مضیق است. با توجه به گستره مفهوم واژه مصلحت، این مفهوم می‌تواند به یک ابزار خطرناك برای امحای آزادی بیان در صدا و سیما تبدیل شود، زیرا که آن‌قدر گسترده است که می‌توان به‌راحتی هر صدای مخالف را به‌بهانه عدم مصلحت سرکوب کرد. به‌همین جهت باید کمال توجه را داشت که این واژه به‌صورت کاملا مضیق تفسیر و از تفسیرهای جهت‌دار به‌شدت خودداری شود.

نظم عمومی

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، نظم عمومی رابه‌عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی بیان به‌رسمیت شناخته‌اند. اما در میان اسناد منطقه‌ای، خود به این محدودیت توجه کرده است. تنها اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز منشور آفریقایی حقوق بشر به‌صورت مشخص و صریح، نظم عمومی را محدودیتی برای آزادی بیان در نظر نگرفته‌اند.

اصطلاح نظم عمومی، برای نخستین بار در قرن هجدهم و با بروز انقلاب فرانسه، در متون قانونی وارد شد. نظم عمومی، مسئله‌ای مرتبط با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است و این امور، متغیر است. می‌توان گفت، نظم عمومی داخلی هر کشور، مجموعه قواعد آمره حاکم در آن کشور است که در قوانین امری و اخلاق حسنه آن جامعه وجود دارد. در تعریفی دیگر، نظم عمومی عبارت است از قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به اداره یک کشور یا راجع به حفظ امنیت و اخلاق در روابط بین افراد به‌طوری‌که افراد نتوانند از طریق قراردادهای خصوصی از آن تجاوز کنند. (برخی با هدف تمایزگذاری بین این مفهوم و مصلحت عمومی، آن را به‌معنای نظم کلی جامعه انسانی و ساختار کلان آن و به‌مثابه یکی از مصادیق مصلحت عمومی دانسته‌اند که حاکم بر روابط میان افراد و اداره امور عمومی است و بدون آن، حیات اجتماعی یاجمعی میسر نیست.

ادامه در ص 6

جنایت حکومت اسلامی ایران بر علیه معلمان، رانندگان، فعالین محیط زیست و...!

در روزهای اخیر چندین معلم به دلیل شرکت در تحصن دو روزه معلمان در شهرهای مختلف از جمله تهران، قزوین، بجنورد، سقز، مریوان، کرمانشاه، الیگودرز و...، به‌مراکز امنیتی احضار شده‌اند. گزارش‌ها حاکی است چندین معلم معترض به سبب شرکت در تحصن دوروزه به اداره اطلاعات احضار شده‌اند.
در تحصن سراسری معلمان و فرهنگیان ایران در روزهای 22 و 23 مهر 1397، شمار زیادی از معلمان در اعتراض به دستمزد زیر خط فقر، آموزش پولی و زندانی بودن همکاران‌شان، در کلاس‌های درس حاضر نشدند.
هاشم خواستار معلم بازنشسته و عضو انجمن صنفی معلمان در مشهد، تا کنون بارها به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی و صنفی خود بازداشت و زندانی شده است. جواد لعل‌محمدی فعال صنفی معلمان به کمپین گفت هاشم خواستار روز سه‌شنبه اول آبان ناپدید شده و خودرو او در مقابل باغ محل کارش پیدا شده است. به‌گفته وی، پس از جستجو و پیگیری خانواده مشخص شده که او از سوی سپاه پاسداران بازداشت و به بخش اورژانس و ممنوع‌الملاقات بیمارستان روانی در مشهد منتقل شده است. اما اسم بیمارستان را به خانواده‌اش نگفته‌اند.
اعتصاب رانندگان کامیون که از اول مهر 1397 آغاز شد و بیست و یک ادامه داشت بیش از دویست و پنجاه راننده بازداشت شدند. پایین بودن کرایه حمل بار در کنار بالا رفتن سرسام‌آور مخارج و استهلاک کامیون‌ها و افزایش قیمت لوازم یدکی، افزایش بهای سوخت و کمبود سهمیه روزانه گازوئیل، کمیسیون بالای شرکت‌های حمل و نقل، افزایش هزینه بیمه و محروم بودن از خدمات بازنشستگی، از جمله دلایل اعتراض رانندگان و کامیون‌داران اعلام شد.
حکومت اسلامی به‌جای این که به خواست‌های بر حق رانندگان معترض گردن نگذارد صادق آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه‌اش، روز نهم مهرماه کامیون‌داران اعتصاب‌کننده را به «اشد مجازات » تهدید کرده و گفته بود: «ممکن است دشمن افرادی را اجیر کند که برخی اعتراضات را به انحراف بکشانند.» محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، نیز بازداشت‌شدگان را به‌صدور احکام سنگین تهدید کرده و گفته بود که مجازات آنان می‌تواند «اعدام» باشد. اکنون دادگاهی در قزوین، برای هفده راننده معترض خواستار «اشد مجازات» شده که می‌تواند به‌معنی «اعدام» باشد.
این تهدیدها در حالی صورت می‌گیرد که حکومت اسلامی، کم‌ترین اهمیتی به‌زیست و زندگی کارگران نمی‌دهد. میزان مرگ و میر، جراحت و نقص عضو در محیط‌های کار ایران به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده است. نگاهی به‌ستون حوادث رسانه‌ها تاییدی است بر این مدعا. خبرگزاری مهر به‌نقل از رییس کانون کارگران ساختمانی می‌نویسد: «ایران با 15 هزار حادثه‌دیده کارگری در دنیا رکورددار است.»
به عنوان نمونه، پزشکی قانونی استان فارس از افزایش 55 درصدی فوت ناشی از حوادث کار در آن استان خبر می‌دهد. صبح شنبه پنجم آبان، دیوار یک بیمارستان خیریه در حال ساخت در کهریزک در جنوب تهران فرو ریخت و شماری کارگر را زیر آوار مدفون کرد.
به‌گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، حکم 15 تن از کارگران شرکت هپکو اراک که در خرداد ماه سال جاری در اعتراض به معوقات مزدی و نامشخص بودن وضعیت شرکت دست به‌تجمع اعتراضی زده بودند، توسط شعبه 106 دادگاه کیفری دو اراک به ریاست قاضی اکبر رضوانی به صورت گروهی صادر شد.
اسامی این کارگران مجید لطیفی، بهروز حسنوند، حمیدرضا احمدی، امیر هوشنگ پور فرزانگان، مرتضی عزیزی، هادی فاضلی، ابولفضل کریمی، فرید کودانی، مجید یحیایی، امیر فتاح‌پور، یاسر قلی، امیر ولاشجردی، توسط هرانا احراز شده است.
حکومت اسلامی ایران، هر اعتراض را امنیتی قلمداد کرده و معترضین را به «اشد مجازات»، یعنی زندان و شکنجه و اعدام تهدید می‌کند که آزادی بیان و حق اعتراض و تشکل و اعتصاب نه بر علیه امنیت جامعه، بلکه بر عکس در جهت تامین امنیت جامعه و حفظ منافع مردم است.
قتل فرشید هکی، حقوق دان و فعال محیط زیست، روز چهارشنبه 25 مهر1397- 17 اکتبر 2018، در زمانی رخ داده است که شماری از فعالان بازداشت شده محیط زیست به فساد فی الارض متهم شده‌اند. گفته می‌شود جنازه فرشید هکی را سوزانده‌اند.
پیش‌تر، دکتر سید کاووس سیدامامی، فعال محیط زیست، در بهمن ماه در 1396 زندان «خودکشی کرد» دوم آبان 1397، نه ماه بعد از زمانی که یک گروه از فعالین محیط زیست، بدون مدرکی مبنی بر تخلف، بازداشت و از دادرسی عادلانه محروم شدند و پس از مرگ یکی از این بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه، قوه قضاییه پنج نفر از این هشت نفر را به «فساد فی‌الارض» متهم کرده است
زندانیانی که به فسادفی‌الارض متهم شدند عبارتند از هومن جوکار، طاهر قدیریان، مراد طاهباز، سپیده کاشانی و نیلوفر بیانی.
برای سه زندانی دیگر، امیرحسین خالقی، سام رجبی و عبدالرضاکوهپایه، تا کنون کیفرخواستی صادرنشده و اتهامات آن‌ها مشخص نیست. این هشت تن در زندان اوین و در بند دو-الف که تحت کنترل سازمان اطلاعات سپاه پاسداران است نگه‌داری می‌شوند.
به‌گفته «آقاسی عباس جعفری‌دولت‌آبادی» دادستان تهران بعد از دریافت نامه‌ای از «ارتش» اتهام‌های آن‌ها را از «جاسوسی» به «فساد فی‌الارض» تغییر داده است.
وریا خسروی، شوگرد گولابی و زانیار گولابی سه تن از فعالین محیط زیست اهل سنندج طی روزهای گذشته بازداشت شدند. از دلیل بازداشت و محل نگه‌داری این افراد اطلاعی در دسترس نیست.
بعد از هجوم به رژه نیروهای مسلح در اهواز، صدها نَفَر از شهروندان و فعالان مدنی و فرهنگی و مذهبی این شهر بازداشت شده‌اند. بنا به گزارش منابع محلی؛ بعضی از اعضای خانواده بازداشت‌شدگان از جمله پدر و مادر نیز بازداشت شدند. چندین زن از شهرهای مختلف نیز بازداشت شدند.
نحوه بازداشت‌ها بدون حکم و ربودن شهروندان عرب در محل کار افراد و یا در خیابان‌ها صورت گرفته است. بنا به‌گزارش فعالان حقوق بشر از اهواز؛ 180 نَفَر از بازداشت‌شدگان را به زندان شیبان(مجتمع حرفه آموزی اهواز) منتقل شده‌اند.
بنا بر احضار تلفنی از سوی دادسرای امنیت اوین، رضا خندان مهابادی و کیوان پاژن دو تن از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، روز سه‌شنبه اول آبان‌ماه، در شعبه شماره هفت بازپرسی حاضر شدند و بنا بر احضاریه کتبی که به آن‌ها داده‌شد باید مجددا روز 12 آبان‌ماه در این شعبه بازپرسی حضور یابند.
همه این بگیر و به بندها و وحشی‌گری‌های حکومت اسلامی، نشان‌دهنده ترسی است که حاکمان قداربند ایران از اوج‌گیری جنبش‌ها و اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها دارند.
در چنین شرایطی، ما باید خواست‌ها و مطالبات خود را با تشدید اعتصاب و اعتراض به این حکومت تحمیل کنیم. چرا که پایه‌های اصلی و کلان ایدئولوژی، اهداف و سیاست‌هایش بر زورگویی، دزدی، فساد، تهدید، شلاق، زندان، شکنجه و اعدام استوار است. این حکومت مدنیت، انسانیت و حق شهروندی سرش نمی‌شود بنابراین، ما تنها با تشدید و گسترش اعتراض و اعتصاب خود، با سراسری و گسترده‌کردن مبارزاتمان می‌توانیم این حکومت را به عقب‌نشینی جدی وادار سازیم و با تحمیل مطالباتمان زمینه را برای وارد کردن ضربه نهایی به پیکر پوسیده و متعفن این حکومت فراهم سازیم.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
یکشنبه ششم آبان 1397 - بیست و هشتم اکتبر 2018

زبان مادری مهم و ...

واقعیت و ساختاری اجتماعی-فرهنگی است که از عوامل و تغیرات زیست محیطی، ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی اجتماعی تاثیر پذیرفته و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد.
هنری سویت - Henry Sweet 1845-1912 زبان‌شناس بزرگ بریتانیایی می‌گوید؛ زبان وسیله بیان عقاید و افکار با استفاده از اصوات موزون است. در واقع زبان یک محصول فکری-ذهنی انسانی و مهم‌ترین وسیله ارتباط، بیان اندیشه و عواطف، آفرینش ادبی، آینه فرهنگ، وسیله ارتباط میان نسل‌ها، عامل اتحاد انسان‌ها و گردآوردن آن‌ها در گروه‌ها و جوامع زبانی مختلف، معرف هویت افراد و جوامع، و یکی از عناصر تعریف و تشخیص ملت‌ها و کشورها و می‌باشد.
بنابراین، زبان وسیله ارتباط بین افراد جامعه است. تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افراد جامعه را به‌هم بپیوندد.
منشور زبان مادری توسط سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد؛ یونسکو (UNESCO) تهیه و تصویب شده است. مطابق بندهای سه‌گانه این منشور همه دولت‌ها موظف هستند که برای تقویت و آموزش زبان مادری کلیه منابع، مواد و وسایل لازم را تولید و توزیع نمایند.این منشور تدریس به زبان مادری را وسیله‌ای برای برابری اجتماعی شمرده است. از حدود بیش از نیم قرن پیش که نتایج تحقیقات علمی سازمان یونسکو اثبات نمود که مهم‌ترین عامل افت و شکست تحصیلی در سراسر جهان، عدم آموزش به‌زبان مادری است، تحصیل به زبان مادری از ابعاد روانی، عاطفی، اجتماعی، حقوقی و غیره، به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته و کنفرانس‌ها سمینارها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، متعدد با عضویت تقریبا تمامی کشورهای جهان در این رابطه برگزار شده است. در همین راستا، سازمان یونسکو در جلسه 30م نشست عمومی خود در سال 1999. روز 21 فوریه را به‌عنوان زبان مادری نام‌گذاری نمود. تخصیص یک روز به‌عنوان روز جهانی زبان مادری نشان از این است که یادگیری و آموزش به‌زبان مادری حق اساسی هر انسانی است.
در گزارش سال 2010 یونسکو، بر مبنای مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در نقاط مختلف جهان آمده است؛ « ... کودکان اقلیت‌های قومی و زبانی یا بومیان یک منطقه، با امید به موفقیت کم‌تر وارد مدرسه می‌شوند؛ زودتر ترک تحصیل می‌کنند؛ و به‌سطوح پایین‌تری از موفقیت دست می‌یابند.»
از جمله این تحقیقات می‌توان به «پیناک» (H.Pinnock -1397) اشاره کرد که نشان می‌دهد 72 درصد از موارد ترک تحصیل در سراسر دنیا در کشورهایی مشاهده می‌شود که دارای تنوع زبانی و فرهنگی هستند و کودکان ساکن در آن‌ها مجبور هستند به زبان دیگری درس بخوانند.
در دوره امپراتوری صفوی که از بین‌النهرین تا آسیای میانه را در برمی‌گرفت سعی می‌شد با تلفیق لغات متداول ترکی وعربی در زبان فارسی یک زبان هیبرید درست شود تا مقامات لشکری و کشوری با آن زبان با هم صحبت بکنند اشعار شعرای بزرگ دوره صفوی که شعرای نامدار آذربایجان نیز هستند از جمله محمد فضولی از ایل بیات قزلباش که کتابدار کتابخانه سامره بود

ادامه در ص 6

آزادی بیان...

حفظ حقوق حیثیت دیگران

یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حفظ حقوق و حیثیت دیگران است که در ماده کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، بر آن تاکید شده است. اکثر حق‌های بشری به مرز حق‌های دیگران محدودیت موجه می‌یابند. این‌گونه محدودیت‌ها نه‌تنها در تعارض با فلسفه وجودی حقوق بشری نیست بلکه، کاملا در راستای حفظ و بقای آن است و بی‌آن، نظامی به این نام باقی نخواهد ماند. همجواری حق‌ها در جامعه سیاسی و لزوم استمرار آن‌ها، لزوما به اولویت‌یافتن برخی و تحدید هریک می‌انجامد. بدون شک، آزادی بیان، بدون داشتن چنین محدودیتی، به ابزاری برای تضییع حقوق دیگران و درنهایت، ایجاد بی‌نظمی و هرج ومرج در جامعه تبدیل خواهد شد. شهروندان یک جامعه در اعمال و رفتار خود تا جایی آزادی دارند که به‌حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه وارد نکنند. به‌عبارت دیگر، هنگامی که اعمال و فعالیت‌های یک فرد به دیگری مربوط می‌شود و پای در قلمرو حقوق و آزادی‌های دیگران می‌گذارد، نمی‌توان به استناد آزادی، آن فعالیت را مجاز دانست. آزادی فرد را، حق تساوی فرد دیگر بر آزادی، محدود می‌کند: اختیار و آزادی هر فرد در کارهایی که صرفا به‌خود او مربوط است همچون آزادی در ذوق و سلیقه و اعتقادات، نامحدود است، اما اعمالی وجود دارد که نتیجه آن‌ها به دیگران نیز سرایت می‌کند. در اینجا آزادی محدود می‌شود و در صورت آسیب به دیگران، اجتماع، حق مداخله، تنبیه و کیفردادن فرد خاطی را خواهد داشت در مورد تعرض به‌حیثیت دیگران باید خاطرنشان کرد که در اکثر نظام‌های حقوقی به دو شکل، توهین یا افترا تحقق پیدا می‌کند.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل و کارشناسان آن معتقدند که حتی نمی‌توان اظهارات خلاف واقع و اظهاراتی را که فقدان شایستگی افراد را درشمار محدودیت‌های آزادی بیان قرار داد در ایران این تفکیک مورد توجه قوانین و مقررات مربوط قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مانند بسیاری دیگر از حقوق و آزادی‌های اساسی، حق مطلق نیست و می‌توان محدودیت‌هایی جهت صیانت از اخلاق، امنیت ملی، نظم عمومی، حقوق و حیثیت دیگران و... بر آن اعمال کرد.

در نگاه نخست، ممکن است محدودیت‌های ذکرشده، هرکدام کاملا جدا و بدون ارتباط با یکدیگر به‌نظر برسند اما دقت در مصادیق این محدودیت‌ها مشخص می‌کند که محدودیت‌های یاد شده در موارد بسیاری موارد با یکدیگر ارتباط کامل و حتی در برخی موارد، همپوشانی دارند. برای نمونه، نمایش یک فیلم با محتوای مستهجن اگرچه ممکن است امر غیراخلاقی تلقی شود، اما از آن نظر که ممکن است کودکان دریافت‌کننده آن باشند، مغایر سلامت کودکان، و از آن جهت که ممکن است احساسات دیگران را تحریک کند، مغایر حقوق دیگران و در یک «جامعه دینی مانند ایران»، مغایر نظم عمومی، مصلحت و موازین اسلام باشد! این ارتباط و همپوشانی میان محدودیت‌های آزادی بیان از آن‌جا ناشی می‌شود که همگی آن‌ها مفاهیمی کلی و کش‌دار است که قابلیت تفسیر و تعیین مصادق مختلف را دارد. این امر می‌تواند دست حکومت‌ها را در گسترش دامنه محدودیت، باز گذاشته و در نهایت، آزادی بیان را در تنگنا قرار دهد.

به‌هر روی، لازم است که محدودیت‌ها بر اساس یک مبنای خردمندانه به‌صورت شفاف، روشن و جزئی‌تر بیان شود تا دست حکومت‌ها در ایجاد محدودیت‌های غیرضروری بسته شود. با توجه به‌مخاطرات ناشی از کلی‌بودن مفاهیم یادشده، تدوین قوانین مربوطه در شرایط دموکراتیک و تنها با هدف تامین و تضمین حق‌ها و آزادی‌ها، به‌گونه‌ای کاملا استثنایی اهمیت بنیادین دارد. در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز همان‌طور که گذشت، آزادی بیان با محدودیت‌هایی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی روبه‌روست که به‌نظر می‌رسد، برخی از این محدودیت‌ها به‌صورت کامل، قابل انطباق با اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیست.

***

زبان مادری مهم و ...

و به‌هر سه زبان ترکی، فارسی و عربی دیوان‌های شعری جداگانه نیز دارد. همچنین خیلی از اشعار عمادالدین نسیمی از بنیان‌گذاران طریقت حروفیه با همین زبان هیبرید نوشته شده است. اولیا چلبی سیاست‌مدار و سیاح بزرگ عثمانی که بعد از جنگ چالدران برای اخذ غرامت به آذربایجان و قفقاز سفر کرده نمونه‌هایی از هر سه زبان را در محاورات روزانه مردم نقل می‌کند. این زبان هیبرید تا پایان دوره قاجار متداول بوده و می‌توان گفت که زبان مشترک ملل ساکن درایران بوده و کسی با آن مشکل نداشته است. مشکل از زمانی شروع شد که با به‌قدرت رسیدن رضاشاه زبان فارسی به‌زبان رسمی تبدیل شد و سایر زبان‌ها از جمله ترکی و عربی غیررسمی و ممنوع شدند. زبان فارسی که تا آن موقع زبان مشترک بود به‌تنها زبان تبدیل شد و سیستم آموزشی آن و سیاست حامی‌اش با تمام توان خود به نابودی زبان‌های غیرفارسی پرداخت. فارس بودن معادل ایرانی بودن شد بزرگان ادبیات ترکی، عربی، کردی، بلوچی، ترکمنی، گیلکی و غیره به‌فراموشی سپرده شدند. نام آن‌ها در کتاب‌های درسی چاپ نشد و در عوض هر شاعری در هر کجای دنیا و در هر زمان تاریخی شعر فارسی سروده بود شعرای ایرانی نامیده شدند نظیر امیر خسرو دهلوی، جلال‌الدین رومی، نظامی گنجوی، اقبال لاهوری و ده‌ها شاعر و دانشمند دیگر که متعلق به‌ملل و کشورهای دیگر هستند. از آن تاریخ به‌بعد، زبان فارسی دیگر زبان مشترک ایرانیان نیست، بلکه صرفا یک زبان جایگزین است و کسانی که در ایران زندگی می‌کنند مجبورند فقط به این زبان تحصیل کنند.

در دوره رضاشاه، ساختن جک‌های رکیک علیه ترک‌ها و غیره توسط سازمان اطلاعات رضاشاه یعنی رکن دو ارتش تولید می‌شدند. استانداران منصوب رضاشاه در آذربایجان، افرادی نژادپرست و فاشیست ضدترک بودند. نمونه‌اش عبدالله مستوفی بود.

ادامه دارد.

سازمان‌یابی مردم فراگیر ایران ...

گذشته از این، با درک امروز، گرچه، کمون پاریس به‌مثابه ارگانی از پائین و پاسخگو به‌شهرداری‌ها نقطه قوتش بود، ولی، به‌این دلیل که هم قدرت تصمیم‌گیری و هم اجرائی را دارا بود، به‌گونه‌ای نهادی سلسله مراتبی یا هرمی را نمایندگی می‌کرد. و این کاستی کوچکی نبود- ماری بوکچین جامعه‌شناسان آن زمان را به‌خاطر عدم درک ساختار هرمی کمون پاریس مورد انتقاد قرار داده است. بنابراین، برای آبشخور از لغزش نهاد شورا به‌هستی قدرتی از بالا و بوروکراتیک دو ضابطه را منظور نمود: یکم، پاسخگوئی نماینده‌ها به شوراها، دوم شوراها به‌مثابه ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و نماینده‌های منتخب از سوی شورا مجری این تصمیمات. برای بیان روشن‌تر مکانیسم شوراها می‌توان به‌نمونه کمون‌ها در کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، یا روژآ، اشاره کرد. در اینجا، کمون تصمیمات معینی را اتخاذ می‌کند و برابر با شمار تصمیمات تعدادی کمیسیون تشکیل می‌گردد. این کمیسیون‌ها تصمیمات کمون را به مورد اجرا می‌گذارند و به کمون پاسخگو هستند. برای نمونه، کمیسیون بهداشت موظف به انجام یا اجرای پروژه بهداشت می‌شود.

با شرح بالا، در شرائط اختناق کنونی، اگر امکان تشکیل کمون، یا انجمن محله و در سطح گسترده‌تر شورا امکان‌پذیر نیست، کسب آگاهی از خصلت‌های کمون، یا انجمن محله، و شورا(در موسسات تولیدی - خدماتی و نواحی، شهرها و شورای سراسری کشور) امری ضروری است.

سامان اجتماعی بدیل مدرنیته - سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

گرچه تناقض کار و سرمایه، اقتصاد یا مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار بسیار مهم می‌نماید. ولی، گذشته از اقتصاد، در جامعه مدرنیته - سرمایه‌داری نقش سیاست، ملی‌گرائی، یا ناسیونالیسم، فرهنگ، ایدئولوژی مذهب، ارگان‌های مهندسی افکار عمومی، سنت‌ها، روانشناسی جامعه، تبعیضات گوناگون و به‌ویژه تبعیض به زنان حائز اهمیت هستند. چپ تاکنونی عمدتا با محدود کردن مبارزات متنوع اجتماعی به تک موضوع اقتصادی و عامل‌اش کارگران شاغل، کنش در عرصه‌های محتمل دیگر را تا فردای پیروزی طبقه کارگر تعطیل کرده است.

بنابراین، برای سامان‌دادن کنفدرالیسم دموکراتیک بدیل مدرنیته - سرمایه‌داری جمهوری اسلامی کلیت سازه‌های اقتصادی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را چالش کرد.

***

پیام پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران ...

فساد در سیستم حاکم بر جامعه ایران، فقط مالی نیست. در تمام روابط این فساد را می‌بینید. هر کجا روابط به‌جای ضوابط قرار بگیرد فساد به‌وجود می‌آید. حکومت اسلامی در این چهل سال حاکمیت خود، تمام راه‌ها را به‌روی جوانان دختر و پسر و رشد خلاقیت‌های آن‌ها بسته است. زنان ایران که نصف جامعه هشتاد و یک میلیونی ایران را تشکیل می‌دهند در چرخه اقتصادی 12 درصد حضور دارند و در عرصه سیاسی آمارها از دو و یا سه درصد بالا نمی‌رود. در نتیجه اگر حکومت اسلامی از همان روزهای نخست به‌قدرت رسیدنش ارتجاعی، سرکوب‌گر، زن‌ستیز، آزادی‌ستیز و کودک آزار بود اما اکنون این حکومت به‌لحاظ انسانی نیز پیر و فرسوده‌تر شده است. خود این وضعیت نشان‌دهنده پایان عمر مفید این حکومت است حتی برای رقبایش در جهان و منطقه.

تامین زندگی و تامین آزادی، مبنای زندگی است. وقتی اقتصاد به‌مشکل بر می‌خورد خود به‌خود سایر زمینه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. کارخانه‌ها، مزارع و.. می‌خوابند، تعداد بیکاران بالا می‌رود و بهداشت و درمان مردم دچار مشکل می‌شود. اثرات روانی این اتفاقات در روحیه جامعه اثر می‌گذارد و این اثرات روحی در روابط اجتماعی بین افراد بروز می‌کند. وقتی مردم در دسترسی به‌نیازهای روزمره زندگی خود دچار مشکل باشند و ناامنی فکری داشته باشند سرمایه اجتماعی کم می‌شود.

اکنون در ایران ثروتمند، جنگ اقتصادی به‌عنوان یکی از مظاهر جنگ سرد آغاز شده است و در عین حالی که صدمات فجیع انسانی دارند، به همبستگی اجتماعی نیز ضربه می‌زند. چون مردم تدریجا با عواملی رو در رو می‌شوند که روند زندگی روزمره آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در چنین دوره‌هایی هم سرکوب حکومتی تشدید می‌گردد و هم فقر و گرسنگی. چنین وضعیتی به‌ضرر مردم است. از این‌رو، ما با محاصره اقتصادی ایران و هر کشور دیگری مخالف هستیم. اما در این مورد پاسیو و بی‌صدا نیستیم، بلکه بر عکس، یک آلترناتیو پر سر و صدایی داریم. ما خواهان این هستیم که حکومت اسلامی ایران در بایکوت سیاسی قرار گیرد؛ اعلام گردد که سران و مقامات این حکومت به‌هر کشوری رفتند طبق قوانین و میثاق‌های بین‌المللی و به‌دلیل «جنایت علیه بشریت» دستگیر و در دادگاه‌های بی‌طرف محاکمه شوند. به این حکومت اسلحه و دستگاه‌های پلیسی و جاسوسی نفروشند و نهایت تمام مراکز جاسوسی این حکومت در خارج کشور را تعطیل کنند.

ما مخالف حمله نظامی به ایران و هر کشوری دیگری هستیم. دهه‌هاست که وضعیت دردناک و دل‌خراش مردم افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و یمن در مقابل ماست. سران حکومت‌های مهاجم در حمله به این کشورها، وعده می‌دادند که به این کشورها دموکراسی و آزادی می‌برند. اما مگر می‌شود با بمب و موشک و تانک و جنگ پیام‌آور دموکراسی باشند؟!

امروز به‌معنای واقعی تروریسم دولتی و غیردولتی امان مردم این کشورها را بریده است. هر شهروندی که صبح از خانه برای پیدا کردن یک لقمه نانی بیرون می‌رود برگشتش معلوم نیست. به این ترتیب، ما از همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی آزادی‌خواه، انسان‌دوست، سوسیالیست، تشکل‌های کارگران، زنان، دانشجویان، مدافعان حقوق بشر، محیط زیست و غیره این درخواست رفیقانه را داریم که از مبارزات بر حق و عادلانه مردم ایران دفاع کنند.

ما به‌همبستگی انسانی و انترناسیونالیستی نیاز داریم اما در مقابل، ما شدیدا مخالف دخالت دولت‌ها در امر داخلی ایران و سایر کشورها هستیم.

چهل سال است که ما با حکومت اسلامی ایران وارد یک جنگ نابرابر و در عین حال آگاهانه‌ای شده‌ایم و تا روزی که این حکومت را از اریکه قدرت پایین نکشیم و یک جامعه آزاد و برابر و خودمدیر نسازیم از پای نخواهیم نشست. اما در این راستا، به‌همکاری و حمایت شما رفقای عزیزمان در همه نقاط جهان، مانند نان شب‌مان نیاز داریم و دستتان را به‌گرمی می‌فشاریم.

در همان آغاز سخن گفتیم که جامعه ایران وارد تحولات سرنوشت‌سازی شده است. بخش عظیم و اکثریت جامعه ایران از این حکومت، ناراضی هستند. همین دی ماه سال گذشته، در بیش از 140 شهر ایران مردم و در پیشاپیش همه جوانان دختر و پسر به خیابان‌ها ریختند و با صدای بلند اعلام کردند: «اصلاح‌طلب و اصولگرا تمام شد ماجرا!» پیام روشن و شفاف آن‌ها این بود که عمر این حکومت تمام شده و همه گرایشات آن ارتجاعی هستند و باید بروند. به‌عبارتی دیگر، اکثریت مردم ایران، دیگر منتظر اصلاحات اصلاح‌طلبان حکومتی و رفرمیست‌های حامی آن‌ها نیستند و کلیت حکومت اسلامی را نمی‌خواهند.

مسلما تهیه مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، آموزش، شغل و ... از وظایف اولیه تمام دولت‌های امروزی است. اما در حال حاضر در ایران، یک میلیون دست‌فروش، حدود 20 میلیون میلیون حاشیه‌نشین و 15 میلیون بیکار داریم. کودک کار و خیابان، کارتن‌خوابی و گورخوابی نیز از دیگر چهره‌های دردناک جامعه ایران است. در حالی که خود سیدعلی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران، به‌تنهایی 94 میلیارد دلار ثروت دارد. شاید هیچ رهبری کشوری در جهان، این‌قدر ثروت نداشته باشد. واقعا او این‌همه ثروت را از کجا آورده است؟! با کدام شغل و کدام زحمت! همه سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی در کاخ‌های آن‌چنانی زندگی می‌کنند و بیش‌تر آن‌ها فرزندان خود را با میلیاردها دلار ثروت به‌خارج کشور فرستاده‌اند. بنابراین در ایران، ثروت‌های سرشار زیادی وجود است اما این ثروت‌ها تنها دست یکی دو درصد جامعه متمرکز شده و 98 و 99 درصد مردم روزگار خود را به‌سختی می‌گذارند.

در ایران با وجود این که قانونا هیچ نیرویی حق برپایی تشکل مستقل ندارد و اعتصاب نیز ممنوع است با این وجود، ما هر روز در ایران اعتصاب و هم تشکل‌های مستقل زیادی داریم. اما سرکوب‌های شدید و تهدید و زندانی کردن مداوم فعالین جنبش‌های اجتماعی ایران، مانع سراسری شدن این تشکل‌ها و جنبش‌ها شده است. پس یکی از وظایف مهم ما در این دوره، این است که از تشکل‌های موجود و هم برپایی تشکل‌های جدید مردمی مانند شوراها و مجالس عمومی در محیط کار، به‌ویژه در محلات حمایت کنیم. از سوی دیگر، ما موظفیم تلاش‌های عوامل حکومت برای برپایی تشکل‌های دست‌ساز را افشا کنیم. و نهایتا خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی و لغو همه قوانین ظالمانه و غیرانسانی مانند سانسور و اعدام در ایران باشیم.

در پایان پیشنهاد ما برای شما رفقا که در این‌جا حضور دارید برگزاری یک جلسه در آینده نزدیک با هدف هم‌گرایی و همکاری نزدیک و برنامه‌ریزی برای پیش‌برد مبارزات ضدسرمایه‌داری‌مان است. چرا که برپایی یک جامعه انسانی آزاد و برابر بدون تبعیض و استثمار در ایران، هم ممکن و هم عملی است!

موفق باشید

26 اکتبر 2018، استکهلم

گزارش کوتاهی از شب همبستگی 26

رفیق خاور عطاری از سوی انجمن تشکیلات زنان شرق کردستان(روناک)، پیام همبستگی با مبارزات برای یک زندگی انسانی بدون زور و تبعیض را ارائه نمودند.

رفیق حمید شهریاری، از طرف انجمن سوسیالیست‌ها در سوئد، تاکید به‌نیاز مبرم به‌مبارزه متحد و متشکل برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری در ایران و گرفتن قدرت به‌دست کارگران، زحمتکشان و مردم و نیز نیاز به‌همبستگی بین‌المللی را تاکید کردند.

رفیق آزاد کریمی از سوی پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، ضمن همبستگی و اتحاد با مبارزات و اعتراضات جاری، خود مدیریتی جامعه به دست خود مردم را نیاز یک زندگی انسانی طرح نمودند.

رفیق اریک بوک دبیر کل سازمان سراسری کارگران سوئد نیز به زبان فارسی و سوئدی ارائه گردید.

شب همبستگی بعد از استراحت کوتاه سخنرانی اسماعیل بخشی، یکی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت‌تپه، سخنرانی یک نماینده زن سندیکای هفت‌تپه و نیز تظاهرات مردم مراغه در دهم دی‌ماه 1396 پخش و نمایش داده شد.

رفیق هنرمند رفیق رویا صادقی چند سرود و ترانه انقلابی خواندند و نیز سرودی از احمد کایا خواننده انقلابی کردستان ترکیه، به‌نام «به پا خیز از عزیزترین ام» و سپس سرود کارگر توسط ستارگان جوان افغانستانی پخش شد.

شب همبستگی با تریبون آزاد ادامه یافت، توضیحاتی در مورد حزب دموکراتیک خلق‌های ترکیه که رهبران و نمایندگان و اعضایشان به‌دستور رجب طیب اردوغان فاشیست دستگیر شده‌اند، داده شد. بحث‌هایی در مورد دفاع از رادیکالیسم و سوسیالیسم در محیط‌های فعالیت سیاسی، به‌طور مشخص در شهر استکهلم، یاری رساندن به‌متشکل شدن و سازمان‌یابی در خارج کشور و نیز طرح نیاز به‌دفاع از تشکل‌های مستقل در ایران و مقابله و افشاگری از سندیکا سازی دولتی حکومت اسلامی ایران با کمک نیروهای امنیتی و نظامی‌اش، برای حمایت فعالانه از سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای نیشکر هفت‌تپه در مقابل پروژه حکومت اسلامی زیر عناوین دروغین تاکید گردید. شب همبستگی با ارائه اشعار خیام توسط رفیق حسین ... در فضائی گرم و صمیمانه خاتمه یافت.

*لینک خبر و گزارش تهیه شده از این شب همبستگی، توسط روزنامه‌نگار ترکیه‌ای رفیق «مراد قیصری» در خبرگزاری فرات نیوز:
https://anfturkce.com/dunya/Isvec-te-Iranli-emekcilerle-dayanisma-gecesi-115142

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
27 اکتبر 2018

Commun:

The Democratic Platform of Iranian Movements and People Journal

31 oktober 2018, NO: 17

گزارش کوتاهی از شب همبستگی 26 اکتبر 2018 – استکهلم

شب همبستگی با اعتصاب کارگران، مبارزات خلق‌ها و مردم تحت ستم و آزادی‌خواه و برابری‌طلب در ایران در 26 اکتبردر شهر استکهلم از طرف «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران» و «کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد» برگزار شد.

رفیق نگین وطنی، برنامه را با یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و پخش سرود انترناسیونال آغاز کرد.

در ادامه از سوی برگزارکنندگان گفته شد که: «رژیم سرمایه‌داری اسلامی در ایران سخت در بحران است و روزی نیست که کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، بازنشستگان، بیکاران، رانندگان کامیون، مال‌باختگان، کشاورزان، اصناف و خلق‌های تحت ستم در ایران، از کردستان تا خوزستان، از بلوچستان تا آذربایجان، تهران و... دست به اعتصاب، تحصن و اعتراض نزنند و حکومت جهل و خرافات، زندان و اعدام، ستم و استثمار و تبعیض را به‌چالش نکشند. همه این وقایع نشان‌دهنده افق تحول بزرگ و سرنوشت‌سازی را در مقابل جامعه ایران قرار داده تا با مبارزه متشکل و متحد، رژیم سرمایه‌داری اسلامی در ایران را از اریکه قدرت پائین کشیده و سرنوشت و مدیریت جامعه را مستقیما به دست خویش گیرند.»

برنامه نیز با توضیحاتی به‌زبان سوئدی توسط رفیق بهزاد بارخدائی ادامه پیدا کرد.

سپس پیام رفیق محمود صالحی از فعالین شناخته شده جنبش کارگری توسط رفیق بهرام رحمانی ارائه گردید.

رفیق نیما گلکار عضو هیئت مدیره سازمان کارگران اتوبوس‌رانی استکهلم، سندیکالیست‌ها پیام همبستگی و حمایت از اعتصابات و اعتراضات مردمی در ایران را به زبان فارسی و سوئدی ارائه دادند.

روبرت بیلکی از طرف حزب عدالت سوسیالیست‌ها، پیام خود را در دفاع از جنبش کارگری و مبارزات مردم و نیز نیاز به‌همبستگی و پیوند مبارزات در ایران را به اطلاع حاضرین رساند.

رفیق امیر بابکری از سوی حزب حیات آزادی(پژاک) پیام خود را در همبستگی با شب همبستگی، مطالبات و خواسته‌های کارگران، زحمتکشان و مردم تحت ستم را ارائه دادند.

یوران گوستاوسن، از فعالین کارگری و فعال اتحادیه کمونال ضمن حمایت از مبارزات طبقه کارگر و اعتصابات و تحصن‌های اعتراضی زحمتکشان و مردم در ایران، فراخوان دفاع بی‌وقفه از آزادی کلیه زندانیان سیاسی را طرح نمودند.

ادامه در ص 7

پیام رفیق محمود صالحی از سقز

به شب همبستگی – استکهلم

درود به‌بانیان شب همبستگی
رفقاء و حضار محترم.
درودهای گرمم نثارتان. امید وارم شب خوبی را سپری کنید.
عزیزان: همچنان که خود مطلع هستید وضعیت مردم ایران به‌خصوص طبقه محروم جامعه، در بدترین شرایط ممکن قرار دارد.
وضعیت نابسامانی و بحرانی بر اکثریت جامعه ما حاکم است، ناامیدی به آینده و بدون چشم‌انداز بهتری به‌خوره وجودی جان محرومان جامعه تبدیل شده. دولت حاکم نیز توان آن را ندارد که شرایط بحرانی جامعه را بهتر و یا چشم‌اندازی امیدوار کننده‌ای را برای مردم محروم جامعه نوید دهد. بحران در جامع سرمایه‌داری زاده خود این سیستم است و کشور ما ایران چند برابر بیش‌تر از کشورهای دیگر به این بحران دچار شده. (البته دچارش کردند)
از سوی دیگر مبارزات کارگران، معلمان و رانندگان در جامعه ما گسترش یافته و این مبارزات هر چه‌قدر زمان را پشت سر بگذارد، رادیکال‌تر خواهد شد. این مبارزات همچون سال‌های گذشته، تنها به‌یک صنف خاص محدود نمی‌شود، بلکه همه صنف‌ها از جمله کارگران؛ دانشجویان؛ زنان؛ رانندگان؛ مال‌باختگان؛ معلمان؛ بازاریان کم‌درآمد، مردم محلات پایین شهری؛ کولبران و غیره هر روز در اعتراض به‌وضعیت نابسامان جامعه در حال اعتراض و تجمع هستند.
این اعتراضات به‌شکلی گسترش یافته که به‌دغدغه مسئولان کشوری تبدیل شده و می‌خواهند در مجلس شورای اسلامی قانونی برای اعترضات مردم مصوب کنند. تا مردم بتوانند با مجوز قانونی به‌وضعیت موجود اعتراض کنند. یعنی اعترضات آن‌قدر گسترده یافته که مسئولان می‌خواهند آن را ساماندهی کنند.
امروز دیگر کسی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که در زیر پوست جامعه ایران، مبارزه‌ای وجود دارد و این مبارزات به‌رهبری نیروهای چپ صورت می‌گیرد. هیچ‌کس نمی‌تواند این مبارزات را به‌جناح‌های حاکم و یا رانده شده از حاکمیت مرتبت کند. اکر امروز طبقه کارگر و یا لایه‌های دیگر مزدبگیران کشور به‌دلیل سرکوب‌های گسترده نتواسته‌اند تشکل‌های خودساخته را تشکیل دهند، از ناتوانی و یا عدم آگاهی آنان نیست، بلکه دو گزینه در آن دخیل است. یکی بیکاری و ترس از بیکارشدن به‌اضافه سرکوب‌های عریان حاکمان و دیگری رهبران مادام‌العمری است که اعتقادی به‌کار جمعی و انتخابات مجدد ندارند.
هر چند در طول چند سال گذشته، سیستم حاکم با تمام قدرت در مقابل هرگونه اعتراض و یا تشکیل تشکل‌های خودساخته کارگران، معلمان، نویسندگان و رانندگان ایستاده و آنان را سرکوب کرده است ولی هیچ‌وقت نتوانسته آنان را مرعوب کند. طبقه کارگر و لایه‌های مزدبگیر ایران آمادگی آن را دارند که در عرض چند روز تشکل‌های خود را تشکیل دهند. با توجه به‌مواردی که گفتم، هیچ جریان و یا جناح حاکم و یا رانده‌شده از حاکمیت نمی‌توانند شعارهایی که امروز در سطح جامعه در جریان است و مهمان سر سفره مردم محروم هستند، به‌خود اختصاص دهد. شعارهایی که امروز ورد زبان عام است(نان؛ کار، آزادی و مسکن) است. این شعارها مربوط به بورژوازی نیست و این شعارها مربوط به طبقه کارگر و اکثریت جامعه است. اگر طبقه کارگر نتوانسته تشکل‌های خود را به‌دلایلی که مطرح کردم تشکیل دهند، اما بسترسازی شده است. بنابراین، جنبش اعتراضی مردم محروم جامعه و مزدبگیران هر روز گسترده‌تر و حاکمان در سرکوب آن ناتوان‌تر از روز قبل هستند.

زنده باشید محمود صالحی
چهارم آبان ماه 1397

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!